

# حوادث۱۹جاذبه

#### تلنگر

### معمای کشف جسد در آرادکوه

پلیس به دنبال رازکشیایی از قتل مرد جوانی است که جسدش با کیسه پلاستیکی در سایت بازیافت زباله رهاشده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، چندی پیش کارگران در حال تفکیک زباله در دو سایت مرکز بازیافت و تفکیک زباله در آرادکوه بودندکه متوجه کیسه پلاستیک مشکي شدندکه بوی بدی از آن به مشام می‌رسید. یکی از کارگران سمت آن رفت و با باز کردن در کیسه با جسد مرد جوانی روبه‌رو شد که آثار ضربه‌های چاقو روی بدنش بود. او با پلیس تماس گرفت و موضوع کشف جسد را اطلاع داد. در این مرحله کارشناس پزشکی قانونی نظر دادندکه جسد متعلق به مردی حدود ۲۰ تا ۲۵ ساله بوده که بر اثر شدت خونریزی ناشی از اصابت جسم برنده فوت کرده است. با توجه به اختلاف نظر میان دادرسی جنایی و حوزه قضایی کهریزک درباره صلاحیت رسیدگی، پرونده برای حل اختلاف نظر این دو مقام قضایی به تجدید نظر استان تهران ارسال شد تا مشخص شود کدام مرجع قضایی، صالح به رسیدگی این پرونده قتل است.

### دایی ساین؛

وقتی امدادگران به

محل حادثه آمدند

مدعی شدند

تجهیزات لازم برای

بیرون کشیدن

ساین را از داخل

گودال ندارند

### مرگ مشکوک

### پرستار زن درخانه

کشف جسد زنی جوان که پرستار اتاق عمل یکی از بیمارستان‌های تهران بود در خانه‌اش، پلیس جنایی پایتخت را با معمای پیچیده‌ای روبه‌رو کرد. به گزارش خبرنگارجنایی جام جم، ساعت ۱۷ و ۳۵ دقیقه دوشنبه ۱۵ مهر امسال یکی از ماموران کلانتری شهرک غرب در تماس با بازپرس کشیک قتل دادرسی جنایی تهران از مرگ مشکوک پرستار زنی در خانه‌اش در یکی از محله‌های شمال غرب تهران خبر داد. در این مرحله بازپرس جنایی همراه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی موضوع به خانه مورد نظر اعزام شدند. آنها در بررسی‌های اولیه با جسد این زن ۳۸ ساله در یکی از اتاق‌های خانه در حالی روبه‌رو شدند که قرص و داروهای بیهوشی در کنارش قرار داشت. شواهد نشان می‌داد که این زن دو ساعت از مرگش گذشته است. ماموران به تحقیق از شوهر این زن پرداختند که وی در اظهاراتش گفت: همسرم پرستار بود و در بخش اتاق عمل بیمارستانی در پایتخت کار می‌کرد. با هم اختلاف و درگیری نداشتیم و او از سلامت روحی و جسمی برخوردار بود و نمی‌دانم چطور شده که فوت کرده است. من سر کارم بودم، عصر که به خانه بازگشتم چند بار همسر را صدا زدم اما پاسخگو نبود و زمانی که وارد یکی از اتاق‌ها شدم با جسد همسرم روبه‌رو شدم. پلیس جنایی پایتخت با دستور قضایی، تحقیقات برای رازکشیایی از مرگ مشکوک این پرستار را آغاز کرده است.

### نجات گروگان ۸ ساله

### قبل از انتقال به افغانستان



پلیس یکی از سه آدم‌ربای اخاذ که پسر هشت ساله‌ای را در یکی از خیابان‌های میناب روده و در صدد انتقال او به افغانستان بودند را بازداشت کرد و گروگان نجات یافت.

به گزارش جام جم، سرهنگ محمد رستمی، فرمانده انتظامی شهرستان میناب گفت: فردی با حضور در پلیس آگاهی میناب شکایت کرد که پسر هشت ساله‌اش برای خرید نان از خانه بیرون رفته که در مسیر از سوی افرادی ربوده شده و آدم‌ربایان برای آزادی او پول خواسته‌اند. همزمان با این شکایت بود که پلیس تحقیقات را آغاز کرد. در جریان تحقیقات، ماموران دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه را بازمینی کردند. آنها سرانجام تصویر خودرویی را یافتندکه آدم‌رباها با ربودن پسر خرد سال ،وی را در آن خودرو انداخته و متواری شده‌اند. مالک خودروی آدم‌رباها شناسایی شد و او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. او سرانجام بازداشت شد و در جریان تحقیقات اولیه اعتراف کرد در ربودن پسر هشت ساله خانواده شاکي با همدستی دو مرد دیگر نقش داشته است. در ادامه آدم‌رباها که عرصه را بر خود تنگ دیده بودند با يك واسطه،پسر هشت ساله را به پایگاه بسیج سندرک تحویل دادند.



وی ادامه داد: بالغ بر ۳۵ پرونده بزرگ و کلان اقتصادی را با همکاری دادستانی به مرحله اجرا گذاشتیم و با قاطعیت ۴۰۰ نفر از این افراد رادستگیر کردیم. همچنین بازداشت مجرمان در فضای مجازی بیش از ۱۳۰ درصد افزایش یافته و در کنار این موارد اقدامات ایجابی و فرهنگ سازی را هم داشته‌ایم.

و آسیب‌دیده در تهران انضباط اجتماعی برقرار کردیم. در شوش، مولوی، هرندی، دروازه غار و سایر نقاط شهر تهران گام‌های بزرگی را در زمینه پاکسازی و امن سازی این نقاط برداشتیم. همچنین در راستای امن‌تر کردن شهر و سخت کردن محیط برای مجرمان طرح‌های مختلفی اجرا کردیم.

## دختر ۷ ساله به دلیل سقوط در گودال حفر پل راه‌آهن جان باخت

# مرگ تلخ ساین در گودال بی احتیاطی

بچه‌ها که شاهد گرفتار شدن آنها در آب بودند به سمت خانه دویدند و بزرگ‌ترها را خبر کردند. سه دایی، پدر بزرگ، خاله‌ها، مادر و هرکس که در خانه بود، وارد آب شد تا بچه‌ها را از چنگال بی‌رحم آب نجات دهند، اما گودال، تشنه گرفتن قربانی بود. در مدت چند دقیقه، ناگهان بلوایی در روستای شوکه خاش به پا شد. هرکس که خبر غرق شدن بچه‌ها را می‌شنید، آب دستش نبود آن را زمین می‌گذاشت تا خودش را به گودال برساند. صدای شیون و واولیای زنان و دختران که به سرو صورت‌شان می‌کوفتند، در روستا پیچیده بود. بزرگ‌ترها طناب به خود بستند و وارد آب شدند و بچه‌ها را بیرون کشیدند، اما هر چه گشتند خبری از ساین نبود. مادر ساین جیغ می‌کشید و صورتش را چنگ می‌انداخت و به همه التماس می‌کرد تا دخترکش را نجات دهد. ۱۰ دقیقه از زمانی که ساین وارد گودال عمیق آب شده بود می‌گذشت و هر لحظه امید زنده ماندن او کم‌رنگ‌تر می‌شد.

هرکسی که می‌توانست با اورژانس و هلال احمر و آتش نشانی تماس می‌گرفت. ۱۰ دقیقه بعد ماموران اورژانس از راه رسیدند. حامد دادگانی، کارشناس فوریت‌های پزشکی خاش به جام جم می‌گوید: «وقتی به محل حادثه رسیدیم، خانواده ساین جیغ و داد می‌کردند که بچه‌مان را نجات دهید، اما بیرون کشیدن او از آب در تخصص ما نبود و باید آتش‌نشانی و هلال احمر می‌آمدند. در مدتی که همه منتظر آمدن نیروهای امدادی بودند، پدر بزرگ ساین و چند تن از اقوامش می‌خواستند وارد آب شوند که به سختی جلوی آنها را گفتم و گفتم اگر شما هم که شنا بلد نیستید وارد آب شوید ممکن است جان‌تان را از دست دهید.»

### تجهیزات نداشتند

عیسی جمال‌زهی، دایی ساین مدام کنار گودال راه می‌رفت و با نگرانی چشم به جاده خاکی دوخته بود تا شاید آتش‌نشانی و هلال احمر از راه برسند، اما هیچ

## درخواست دختر ۹ ساله برای قصاص مادر اسیدپاش



زن جوان که متهم به شوهرکشی با اسید است، دیروز در حالی در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت که دختر ۹ ساله‌اش برای او درخواست قصاص کرد. پیش از این زن جوان به قصاص محکوم شده بود که دیوان عالی کشور به حکم نقص گرفته بود. به گزارش خبرنگار جام جم، آذر ماه سال ۹۵ بود که صدای جنجال شهلا و همسرش مثل خیلی وقت‌ها در کوچه‌ای در شهری پیچید. همسایه‌ها که به این سرو صدای هرروزه عادت کرده بودند، هیچ واکنشی نشان ندادند اما دقایقی بعد زمانی که صدای آژیر آمبولانس در کوچه پیچید، جمعیت در خانه شهلا جمع شد. چرا که همه چیز حاکی از آن بود که این دعوا با همبشه فرق دارد. همسر شهلا که به دلیل سوختگی شدید با اسید، حال وخیمی داشت؛ دقایقی بعد از انتقال به بیمارستان جان خود از دست داد و حالا پای ماموران نیروی انتظامی برای کشف راز قتل به پرونده باز شد. شهلا در اولین بازجویی انگیزه خود را از اسیدپاشی به شوهرش را این‌طور بیان کرد: «من و شوهرم همیشه با هم اختلاف داشتیم. او دست بزن داشت و به هر بهانه‌ای مرا اکثک می‌زد. این او اخر از من می‌خواست تن فروشی کنم و خودش بیکار بود. این قدر مرا تحت فشار قرار داد که او را تهدید به اسیدپاشی کردم و بالاخره روی او اسید پاشیدم.»

دشمنی ریشه دار دو طایفه بارها منجر به بروز درگیری شده بود. اما در آخرین نزاعی که میان آنها درگرفت، نزدیک به ۳۰ نفر در نزاع شرکت کرده و با ضرب و جرح عمدی، باعث قتل و نقص عضو شدند. هر چند رسیدگی به پرونده قتل در حال طی روند قانونی است، اما روز گذشته پرونده با حضور ۱۲ متهم به ایراد ضرب و جرح عمدی، در دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شد. به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به پرونده متهمان پرونده شرکت در نزاع دسته جمعی در اطراف تهران در حالی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد که دادگاه ملو از افرادی بود که به عنوان شاکي با متهم از طرفین دعوا به دادگاه	دعوت شده بودند. سال گذشته با وقوع ایراد ضرب و جرح عمدی بین ۳۰ نفر از شرکت‌کنندگان در نزاع و کور شدن چشم یک جوان، رسیدگی به پرونده از سوی مقامات قضایی آغاز شد. جوانی که در نزاع چشم خود را از دست داده بود و نادر نام دارد، در طرح شکایت خود در مورد علت بروز درگیری به پلیس گفت: «از سال‌ها قبل کینه و دشمنی ریشه داری بین طایفه ما و یک طایفه دیگر وجود داشت. بارها روی دیوار خانه ما و اقوام ما شعارنویسی می‌کردند و درگیری‌های مختلفی بین ما و آنها رخ می‌داد. تا این‌که چند شب قبل به یکی از اقوام آنها برخوردم و به من ناسزا گفت و در جلسه دیروز متهمان یک به یک	از آنها با پاره آجر، چماق و چاقو و قمه به ما حمله کردند. ما هم از خودمان دفاع کردیم.» عده زیادی در حادثه شب اول مجروح شده بودند. اما درگیری به همان جا ختم نشد و چند روز بعد بروز درگیری‌های دیگر با انگیزه انتقام‌جویی منجر به قتل دو نفر از شرکت‌کنندگان در نزاع شد که رسیدگی به پرونده قضایی در حال طی روند قانونی است. اما این در حالی بود که جوان ضارب که موجب کوری چشم نادر شده بود، چند وقت بعد از حادثه به دلیل عذاب وجدان از بلایي که سر پسر جوان آورده بود اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد. در جلسه دیروز متهمان یک به یک
--	--	---

## ۲ قتل و نقص عضو؛ سرانجام درگیری قدیمی ۲ طایفه

به دفاع از اتهامات خود پرداختند. یکی از آنها اتهام خود را نپذیرفت و گفت: «روز نزاع از همه جایی خبر وارد محله‌مان شدم و دیدم عده زیادی در حال زد و خورد یکدیگر هستند. شیشه‌های مغازه برادرم شکسته شده بود و تعداد زیادی خانم هم بین نزاع‌کنندگان بودند. متوجه شدم عده‌ای از اقوام ما با طایفه‌ای که با آنها دشمن هستیم، درگیر شده‌اند. اما من از دیدن آن صحنه حالم بد شد و اگر هم می‌خواستم نمی‌توانستم کسی را بزنم.»

دادگاه بعد از شنیدن شکایت همه شاکیان و دفاع همه متهمان، ختم جلسه دادرسی را اعلام کرد. رای دادگاه به‌زودی صادر می‌شود.

### بازداشت ۴۰۰ نفر در ۳۵ پرونده اقتصادی

پلیس تهران، ۳۵ پرونده بزرگ و کلان اقتصادی را به سرانجام رساندو در همین رابطه موفق به بازداشت ۴۰۰ نفر شد.

به گزارش ایسنا، سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی پایتخت همزمان با هفته ناجا در مراسم صبحگاه پلیس تهران بزرگ گفت: در بیش از ۳۰ نقطه پرحظر

<div>لیلا حسین زاده</div>
<div>حادث</div>

یک شرکت راه‌آهن مشغول ساخت و ساز بود و صدای گوشخراش ماشین‌آلات صنعتی، تمام محوطه و اطرافش را پر کرده بود. مادرها بارها به بچه‌های‌شان گوش‌زد کرده بودند که مراقب خود باشند، اما ۱۲ مهرماه آخرین روزی بود که ساین جمال‌زهی هفت ساله نفس می‌کشید، می‌خندید، با دوستانش بازی می‌کرد و به مدرسه می‌رفت. آفتاب داغ، کم‌کم داشت جل و پلاسش را جمع می‌کرد تا جایش را به عصری دلچسب بدهد. خنکای باد آبن‌قدر لذت‌بخش بود که بچه‌ها را وادار کرد بعد از استراحت و خوردن ناهار دوباره بازی را شروع کنند.

### گودال مرکبار

روز جمعه بود و ساینی می‌خواست تلافی روز تعطیلش را دربیارد تا تشنه قیراق و سرحال به مدرسه برود. با بقیه بچه‌ها مشغول بازی شد و وسط بازی، نگاهش به آبی افتادکه روی زمین جمع شده بود. با حس کودکانه‌اش جلو رفت و جفت پا روی آب پدید تا با پرش آب به اطرافش بازی کند، اما همه چیز آن‌طور که ساین حساب کرده بود، اتفاق نیفتاد. نه آب به اطراف پدید و نه او خندید. یک لحظه دنیا تیره و تار شد. گودال دهان باز کرد و ساین را بلعید. دخترک دست و پا می‌زد تا خودش را رووی آب نگه دارد، اما نه می‌شد و نه می‌توانست. سعی‌کرد خودش را به دیواره گودال برساند، اما هر چه دست و پا می‌زد، آب گل‌آلود و سنگین بیشتر او را می‌بلعید.

خواهرزاده‌اش که متوجه دست و پا زدن‌های او شده بود، به سمتش دوید و سعی کرد نجاتش دهد، اما آب او را هم بلعید. بعد از او، برادر ده ساله ساین دوید و در آب پرید تا هر دو را از آب نجات دهد، اما هر سه اسیر آب شدند.

معمای دفن جسد مجهول الهویی پس از بازگشت مرد ۴۵ساله

## مرده‌ای در مراسم چهلمش زنده شد!

مرد میانسال وقتی برای یافتن کار از تهران به پاکدشت سفر کرد، فکر نمی‌کرد گرفتار سرنوشت عجیبی شود. او زمانی که به خانه بازگشت، متوجه شد خانواده‌اش اشتباهی به جای او، جسد مرد دیگری را دفن کرده و در حال برگزاری مراسم چهلم وی هستند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ۱۸ تیر امسال مردی با حضور در شعبه یازدهم بازپرسی دادرسی جنایی تهران با طرح شکایتی اعلام کرد، برادر ۴۵ ساله‌اش که متاهل بوده و فرزند دارد برای انجام کارهایش از خانه‌شان در شرق تهران بیرون رفته و دیگر بازنگشته است. حتی تلفن همراهش را در خانه جا گذاشته است. سرافش راز دوستانش، فامیل و همسایه‌ها گزافتم که هیچ‌کدام خبری از برادرم نداشتند. می‌ترسیم بلایی سرش آمده باشد.

با دستور بازپرس مصطفی واحدی، تحقیقات ماموران پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران برای یافتن ردی از مرد گمشده آغاز شد. تحقیقات ادامه داشت تا این‌که پنجمین روز مرداد امسال پلیس تهران از طریق پلیس شهرستان اسلامشهر مطلع شد که در زمانی که مرد میانسال گم‌شده، پلیس چند جسد مرد مجهول الهویی را یافته و اجساد آنها در پزشکی قانونی است. با احتمال این‌که یکی از اجساد متعلق به مرد گم‌شده باشد، خانواده وی به پلیس اسلامشهر رفتند و تصاویر اجساد مجهول الهویی را نگاه کردند که تصویر فردی را یافتند که شبیه برادر گمشده‌شان بود. آنها او را به‌عنوان جسد برادرشان شناسایی کردند و بعد از چند روز و با هماهنگی‌های لازم جسد را از پزشکی قانونی تحویل گرفتند و گواهی دفن برای این جسد صادر شد. خانواده مرد میانسال با تحویل گرفتن جسد، او را به بهشت زهراي تهران به خاک سپردند. روزها سپری شد تا چهلمین روز سوگواری مرد میانسال فرا رسید. همسایه‌ها، دوست، آشنا و فامیل‌ها برای شرکت در مراسم چهلم به خانه پدری مرد فوت شده آمده بودند. ناگهان زنگ در خانه به صدا درآمد و زمانی که برادر کوچک‌تر پاسخ داد، صدای برادرش را شنید. شوکه شده بود و باورش نمی‌شد صدای برادر فوت شده‌اش باشد. سراسیمه خود را مقابل در رساند و بعد از گذشتن در با صحنه عجیبی روبه‌رو شد. برادرش را زنده دید که اعلامیه‌ای به‌دست گرفته و به پهنای صورت اشک می‌ریزد. پسر جوان با دیدن برادرش که زنده شده بود جیغ کشید و بیهوش کف خیابان افتاد. اعضای خانواده و مهمان‌ها با شنیدن صدای جیغ و فریاد، خودشان را به خیابان رساندند. آنها با دیدن مرده‌ای که زنده شده بود شوکه شده و حتی چند نفری از اعضای خانواده بیهوش شدند. همزمان با این اتفاق عجیب، مرد میانسال نزد بازپرس دادرسی جنایی تهران رفت و در جریان تحقیقات گفت: در کارم درآمد خوبی نداشتم. روز حادثه برای یافتن کار از خانه‌ام در تهران بیرون رفتم و به پاکدشت رفتم که در آنجا تصادف کردم و یک هفته بستری بودم. بعد از آن‌که مرض شدم محافظه‌ام دچار مشکل شده بود. بنابراین در کارگاهی در پاکدشت مشغول کار شدم. چند روز پیش دوباره محافظه‌ام را به‌دست آوردم و تازه فهمیدم کجا هستم. به خانه پدری‌ام که رفتم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. اعلامیه و پلاکاردهای تسلیت مربوط به مرگم را دیدم. آنها حتی در حال برگزاری مراسم چهلم بودند که من سر رسیدم. با ثبت اظهارات این مرد، پرونده گمشدن او در دادسرا بسته شد. تحقیقات برای مشخص شدن هویت مردی که به جای مرد میانسال دفن شده بود، ادامه دارد.